

## ژئوپلیتیک خزر و امنیت ملی ایران<sup>۱</sup>

سید محمدحسین حسینی<sup>۲</sup>

سید محمد طباطبایی<sup>۳</sup>

### چکیده

منطقه خزر در دوره پسا شوروی با تغییر ماهیت از منطقه جغرافیایی محض به منطقه ژئوپلیتیک از اهمیت ویژه‌ای برای بازیگران ساحلی برخوردار شده است. با توجه به الگوی روابط متقابل جغرافیا، سیاست و قدرت در این منطقه، بنیان‌های ژئوپلیتیک با طیفی از عوامل ثابت و متغیر می‌توانند بر امنیت ملی هر یک از بازیگران ساحلی مؤثر واقع شوند. با توجه به اینکه چنین بنیان‌های ژئوپلیتیک، احتمال مواجهه بازیگران ساحلی با فرصت‌ها و چالش‌های این منطقه را افزایش می‌دهد، پرسش اصلی پژوهش این است که بنیان‌های ژئوپلیتیک مؤثر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خزر چه فرصت‌ها و چالش‌هایی برای این بازیگر در منطقه خزر به همراه دارد؟ فرضیه پژوهش این است که بنیان‌های ژئوپلیتیک مؤثر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فرصت هم‌گرایی و هم‌تکمیلی با بازیگران ساحلی خزر از یک سو و چالش متأثر شدن از عوامل جغرافیایی ثابت و متغیر از سوی دیگر را به همراه دارد. این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و آمار، ایده طرح‌شده را واکاوی می‌کند.

### ▪ واژگان کلیدی:

بنیان‌های ژئوپلیتیک، امنیت ملی، جمهوری اسلامی ایران، منطقه خزر.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۲۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۱۷

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری روابط بین‌الملل آقای سید محمدحسین حسینی زیر عنوان «تأثیر ژئوپلیتیک منطقه خزر و ژئواستراتژی بازیگران این منطقه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ۲۰۱۸-۲۰۱۱» به راهنمایی دکتر سید محمد طباطبایی، دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی است.

Mh.hosseini23@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

Tabasm234@yahoo.ir

۳. دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

## مقدمه

ژئوپلیتیک هر واحد سیاسی یکی از کاتالیزورهای سیاست، قدرت و امنیت در ارتباط با دیگر واحدهای نظام بین‌الملل است؛ بنابراین با در نظر گرفتن الگوی روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست، نقش عوامل جغرافیایی در شکل‌دهی به امنیت ملی اهمیت شگرفی دارد. بر این اساس، عوامل جغرافیایی ثابت و متغیر که با سیاست دولت‌ها در پرتوی قدرت بالقوه و بالفعل ارتباط تنگاتنگی دارند، می‌توانند امنیت ملی را تحت‌الشعاع قرار دهند. در این چهارچوب، ملاحظات امنیتی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کنشگری فعال در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند تحت تأثیر فضا و مکان جغرافیایی قرار گیرد؛ به این معنا که صرفاً تصمیم دولت‌مردان و کارگزاران دستگاه دیپلماسی ایران به سیاست خارجی و امنیت ملی جهت نمی‌دهد بلکه این رویکردها تحت تأثیر اقتضائات ژئوپلیتیک نیز قرار می‌گیرند که بر بنیاد آن می‌توان به فهم مناسبات قدرت و امنیت در مناطق مختلف پی برد؛ از این‌رو، بنیان‌های ژئوپلیتیک مؤثر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ماهیت جغرافیای سیاسی دارند و ویژگی‌های جغرافیای سیاسی بر رفتار سیاسی، امنیت ملی، تمامیت ارضی، بقا، موجودیت و منافع ملی این بازیگر تأثیرگذار هستند؛ بنابراین به‌دلیل مبنا قرار گرفتن شاخص‌هایی نظیر منافع ملی، حفظ تمامیت ارضی کشور، انسجام و یکپارچگی ملی و سرزمینی، بهره‌مندی از ظرفیت‌های نیروی انسانی در قلمروی مشخص (ایران)، اتخاذ راهبرد ژئوپلیتیک می‌تواند در تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی نقش درخور توجهی داشته باشد.

در این میان می‌توان به منطقه ژئوپلیتیک خزر اشاره کرد که عوامل بنیادینی نظیر بازیگران، منافع، هویت، اصول و زمینه‌های اجتماعی به‌طور مستقل بر تحولات تأثیرگذار هستند (Bayramov, 2021: 1). باید اشاره کرد که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای غربی توافق‌نامه‌هایی را با یکدیگر امضا کردند تا بتوانند با بهره‌برداری از ذخایر انرژی خزر به فرآورده‌های انرژی خود تنوع بخشند. به عبارتی، موقعیت جغرافیایی خزر که سرشار از منابع انرژی است، آن را به ثقل امنیت انرژی اروپا تبدیل کرده است (Bajrektarevic & Posega, 2021: 123)، با وجود این، ژئوپلیتیک انتقال انرژی که می‌تواند انرژی موردنیاز اتحادیه اروپا را تأمین کند، از یک سو زیر کنترل روسیه است و از سوی دیگر با چالش نامنی، در قلمرو جمهوری آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان، مواجه است (Aydin & Azhgaliyeva, 2019: 15). به‌طور کلی، رقابت‌های ژئوپلیتیک در خزر در سه مرحله جدید حائز اهمیت هستند: نخست، برنامه جمهوری اسلامی ایران برای ساخت اولین جزیره

مصنوعی در خزر با همکاری چین؛ دوم، برنامه قزاقستان برای تبدیل برنامه آکتائو<sup>۱</sup> به قطب تجاری بین آسیای مرکزی از یک سو و ایران و غرب از سوی دیگر؛ سوم، بلایای زیست‌محیطی در خزر و نگرانی در مورد آینده دریا و حفظ تنوع زیستی آن ( Gobel, 2021: 6). در این چهارچوب، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از بازیگران ساحلی این منطقه ناگزیر از در نظر گرفتن ملاحظات ژئوپلیتیک به‌منظور تأمین امنیت ملی خود است.

بر این اساس، شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیک در این منطقه گامی در راستای اتخاذ راهبرد مناسب از سوی ایران بر بنیاد الگوی روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست خواهد بود؛ از این‌رو، سنجش عوامل جغرافیایی ثابت و متغیر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و تبیین فرصت‌ها و چالش‌های منطقه ژئوپلیتیک خزر متناسب با ویژگی‌های جمهوری اسلامی ایران بسیار حائز اهمیت است؛ بنابراین، مفهوم امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در بستری ژئوپلیتیک تبیین خواهد کرد. از سوی دیگر، عوامل ژئوپلیتیک که می‌توانند متناسب با عناصر جغرافیا، قدرت و سیاست بر امنیت ملی ایران تأثیرگذار باشند از دغدغه‌های مهم پژوهش پیش‌رو هستند. پرسش اصلی پژوهش این است که بنیان‌های ژئوپلیتیک مؤثر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خزر چه فرصت‌ها و چالش‌هایی برای این بازیگر در منطقه خزر به همراه دارد؟ این پژوهش، از نوع کیفی است که با روش توصیفی-تحلیلی، گردآوری اطلاعات و منابع به‌شیوه کتابخانه‌ای و آمار سعی در تأیید ایده طرح شده دارد.

### چارچوب مفهومی

بنیان‌های ژئوپلیتیک: بنیان‌های ژئوپلیتیک، متغیرهایی هستند که محصول تأثیر و تأثر عوامل سیاسی و جغرافیایی بر روی هم هستند، به‌طوری که پدیدارهای حاصل از کنش و واکنش آن‌ها بر همدیگر، نه صرفاً جغرافیایی‌اند و نه سیاسی، بلکه محصول کنش و واکنش پدیده‌های جغرافیایی و سیاسی در فضا هستند که در نهایت منجر به تولید قدرت می‌شود. به‌عبارتی، بنیان‌های ژئوپلیتیک، پدیده‌های انتزاعی ناشی از روابط متقابل عوامل جغرافیایی، محیطی، سیاسی و قدرت در ساختار ژئوپلیتیک هستند که بسته به کارکرد هر یک از این عوامل و نقش آن در روندهای نظام ژئوپلیتیک جهانی، منطقه‌ای و ملی نقش ایفا می‌کنند (Cohen, 2018: 81).

امنیت ملی. استاندارد امنیت به‌معنای ایمن بودن و دور بودن از مخاطرات است. امنیت بر اساس توجیه نظریه‌های اجتماعی، امری است که باید به وسیله قدرت دولت تأمین گردد

<sup>۱</sup>. Aktau

(Walker, 2019: 71-82). این در حالی است که موقعیت امنیتی بسیاری از کشورهای در حال توسعه بیشتر با عوامل داخلی شکل می‌گیرد و تهدیدشدن دولت‌ها برخاسته از مجموعه‌ای از عوامل زیست‌محیطی، اقتصادی، نظامی، مشکلات قومی و مسائل مربوط به جانشینی قدرت است (Azar & In moon, 2019: 135). امنیت ملی از لحاظ مفهومی، ضعیف و از نظر تعریف، مبهم، ولی از نظر سیاسی مفهومی قدرتمند باقی مانده است؛ چراکه مفهوم نامشخص امنیت ملی راه را برای طرح راهبردهای بسط قدرت توسط نخبگان سیاسی و نظامی باز می‌گذارد (Walt, 2007: 213). امنیت ملی یعنی دستیابی به وضعیتی که به کشوری امکان می‌دهد از تهدیدهای بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در راه پیشبرد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی، انسانی، تأمین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه فارغ از مداخله بیگانه گام بردارد (Rowshandel, 2020: 13). امنیت ملی یک کشور در درجه اول به معنای تأمین شرایطی است که کشور را از تعرض دیگران به استقلال سیاسی، ارزش‌های فرهنگی و رفاه اقتصادی دور نگه دارد (Basiri, 2021: 168). نخستین عنصر در تبیین رابطه ژئوپلیتیک و امنیت ملی، فضای جغرافیایی است. شاخص‌های عملیاتی‌سازی این ظرفیت‌ها در بستر جغرافیا و نیازهای امنیتی موردنظر واحدهای سیاسی عبارتند از:

**فضای سرزمینی (قلمرو):** سرزمین برای اقدامات و کنش دولت‌ها ضرورت دارد. با توجه به اینکه اولین ویژگی برای تشکیل دولت برخورداری از سرزمین است، شاخص‌هایی نظیر فضا، سرزمین حد، دریای سرزمینی، رژیم حقوقی دریاها، اعمال صلاحیت دولت و غیره حائز اهمیت هستند.

**موقعیت جغرافیایی:** موقعیت جغرافیایی عامل مهم تأثیرگذار بر ژئوپلیتیک و امنیت ملی کشورها است. شناسایی موقعیت جغرافیایی در سطح کره زمین اولین گام در تحلیل ژئوپلیتیک کشورها است. به عبارتی، موقعیت جغرافیایی یکی از کلیدهای اصلی گشودن رمز سیاست دفاعی و استراتژیک است و مجموعه امکانات و محدودیت‌های کشورها را با توجه به اوضاع مختلف جهانی نشان می‌دهد؛ بنابراین، بر بنیاد موقعیت جغرافیایی می‌توان فرصت‌ها، تهدیدها و چالش‌های امنیتی کشورها را تجزیه و تحلیل کرد (زین‌العابدین و کارساز، ۱۳۸۹: ۵۴).

**وسعت:** کشورها بر اساس وسعت به سه دسته بزرگ، متوسط و کوچک تقسیم می‌شوند. مؤلفه وسعت، تنوع آب‌وهوایی ایجاد می‌کند، توانایی کشور را در رفع نیازمندی‌های اولیه‌اش افزایش می‌دهد و ضریب امنیتی کشورها در این موارد متأثر از آن است. به عبارتی، ضریب امنیت اقتصادی جامعه افزایش می‌یابد. از نظر نظامی نوعی ایمنی ایجاد می‌کند؛ زیرا

تصرف و تسلط بر آن را مشکل می‌سازد. علاوه بر این، امکان جذب جمعیت بیشتر را فراهم می‌آورد و در تقویت نیروی انسانی و امنیت آن تأثیرگذار است (شوازی، ۱۳۸۷: ۶۸).

**توپوگرافی:** دربرگیرنده شکل، مرز و مشخصات ظاهری است. مقصود از شکل، فاصله قطره‌های یک کشور تا مرکز جغرافیایی آن است. از نظر شکل، کشورها به گونه‌های طویل، دنباله‌دار، پاره‌پاره، محاطی و حائل تقسیم می‌شوند. مهم‌ترین تأثیر شکل هندسی، نحوه اعمال قدرت حکومت مرکزی بر پهنه کشور است. از سوی دیگر، شکل مرزها به سه صورت کلی است: محدب، مقعر و مستقیم. مرزهای محدب معمولاً نقش آفندی و تهاجمی و مرزهای مقعر نقش پدافندی و حساسیت امنیتی بیشتری دارند و به‌همین دلیل منابع انسانی، اقتصادی و نظامی بیشتری برای نگهداری از آن‌ها صرف می‌شود تا امنیت مرزی و در نتیجه امنیت ملی کشور فراهم گردد (احمدی نوحدانی و النجری چاورچی، ۱۳۹۶: ۲۲۶). مشخصات ظاهری سرزمین نیز عبارت‌اند از: شبکه آب‌ها، سرزمین‌های هموار، بیابان‌ها و مناطق کویری، نوع پراکندگی جمعیت و استقرار آن‌ها در درون سرزمین. مشخصات ظاهری می‌تواند هم در راستای ارتقای ضریب امنیتی قرار گیرد و هم منجر به کاهش امنیت شود.

**منابع طبیعی:** منابع هنگامی می‌توانند در توانمندی لازم در رفع نیازهای امنیتی یک کشور مؤثر باشند که توان بهره‌برداری و قدرت صادرات وجود داشته باشد. در صورتی که این قدرت وجود نداشته باشد و منابع استخراج‌شده قابلیت به‌کارگیری در داخل کشور را نداشته باشد، این نقش جغرافیایی در مسائل امنیتی ناکام می‌ماند (هندیانی و پورغلامی، ۱۳۹۲: ۸۴).

**اقلیم و محیط‌زیست:** اقلیم یکی از عوامل جغرافیایی مؤثر در وضع کشور و مردم است. رابطه مستقیم اقلیم و محیط‌زیست با سلامتی روح و جسم باشندگان یک قلمرو و پیشرفت‌های اقتصادی و صنعتی به اثبات رسیده است.

**فضای اسکان انسان:** توسعه منابع انسانی از جمله مسائلی است که نمود رشد قدرت ملی یک کشور به حساب می‌آید؛ چراکه دربرگیرنده تمامی افراد و نیروهای انسانی است که به‌صورت بالقوه یا بالفعل در شمار جمعیت فعال هر جامعه قرار دارند. فقدان اسکان افراد در مرزهای یک کشور به علت وضعیت سخت جغرافیایی می‌تواند زمینه را برای هجوم خارجی فراهم سازد؛ از این‌رو، ایجاد دل‌بستگی و تعلق، امنیت‌زایی محیط و دفاع حائز اهمیت هستند (کاویانی‌راد و فتاحی، ۱۳۹۱: ۳۳).

دومین عنصر، قدرت است. قدرت ملی، هسته مرکزی ژئوپلیتیک است. بن‌مایه تحلیل‌های ژئوپلیتیک مبتنی بر رابطه قدرت سیاسی بین‌المللی و محیط جغرافیایی است. بر

این اساس، ژئوپلیتیک به بررسی تأثیر عوامل جغرافیایی بر میزان قدرت یک کشور توجه می‌کند. عنصر قدرت در هر سطحی (محلّی، ملی و جهانی) و هر بعدی از عناصر دیگر یعنی جغرافیا و سیاست متأثر است، متقابلاً بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد و دایره مفاهیم ژئوپلیتیک نظیر نزاع، هم‌گرایی، واگرایی، حوزه نفوذ، رقابت، تصمیم‌گیری، بحران، کنترل، سلطه و نفوذ، صلح و همکاری، منابع و محیط‌زیست، فضا، منافع ملی، قدرت ملی، امنیت ملی، روابط فضایی، توسعه و رفاه، محلّی‌گرایی و جهان‌گرایی را در بر می‌گیرد (مؤمن‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۰).

سومین عنصر، سیاست است که دربرگیرنده حوزه ایدئولوژی، اندیشه سیاسی، ساختارها و سیستم‌های سیاسی نظیر دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای اجتماعی مدنی است. بررسی تأثیر عوامل جغرافیایی بر تصمیم‌گیری سیاسی انسانی که رقابت‌های سیاسی قدرت‌ها با یکدیگر را بررسی می‌کند، بیانگر رابطه ژئوپلیتیک و سیاست است. در این چهارچوب، رابطه دیالکتیکی سه عنصر، این پیوند را تقویت می‌کند: رقابت که مولد سیاست است، قدرت که پدیده‌ای سیاسی است و جغرافیا که فضای لازم را برای محیطی‌ساختن رقابت سیاسی در اختیار می‌گذارد (حافظنیا و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲۷).

### ۱. بنیان‌های ژئوپلیتیک مؤثر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

متغیرهای ژئوپلیتیک، حاصل روابط متقابل عوامل جغرافیایی - محیطی و قدرت و سیاست است. در این رابطه عوامل جغرافیایی - محیطی به‌عنوان متغیر مستقل و عوامل سیاست و قدرت به‌عنوان متغیر وابسته نقش‌آفرینی می‌کنند (حسین‌پورپویان، ۱۳۹۲: ۱۶۹).

به‌طور کلی، عوامل ژئوپلیتیک مؤثر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی به دو دسته ثابت و متغیر تقسیم می‌شوند. عوامل ثابت همان پدیده‌های طبیعی و جغرافیایی هستند و فضای سرزمینی (قلمرو)، موقعیت جغرافیایی، وسعت خاک، توپوگرافی و اقلیم را در بر می‌گیرند. برخی عوامل متغیر ممکن است منشأ طبیعی داشته باشند؛ اما به‌علت مطرح‌بودن نقش کمیت در آن‌ها، جزو عوامل متغیر محسوب می‌شوند. این عوامل عبارتند از: جمعیت، تاریخ و تمدن، قومیت و زبان، دین و مذهب، منابع طبیعی، نهادهای سیاسی و اجتماعی.

**عوامل ثابت:** فضای سرزمینی (قلمرو). فضای سرزمینی ایران مهم‌ترین رکن ساختاری دولت آن است. این فضای سرزمینی که گهواره زیست اقوام ایرانی است، در طول تاریخ عامل ارتباط‌دهنده و بسترساز تعامل میان کانون‌های تمدن، گروه‌های انسانی و قومی مجاور فلات

ایران بوده و دربرگیرنده عناصر کالبدی (بنیادهای زیستی) و محتوایی (فرهنگ) است که در قالب سازه‌های انسانی آشکار می‌شود (حافظنیا، ۱۳۹۰: ۱۶۲). برقراری ارتباط با ایران و عبور از فضای آن عمدتاً با دو هدف اصلی یعنی اقتصادی- اجتماعی و عملیات نظامی انجام می‌گیرد. برای تأمین هدف نخست، کالا، مواد، اندیشه‌ها، انسان‌ها و وسایل حمل‌ونقل از مسیر ایران عبور می‌کنند و مبادی و مقاصد را به هم متصل می‌سازند. از این وضعیت زیر عنوان «نقش ارتباطی ایران» تعبیر می‌شود. هدف دوم در بستر تاریخ به‌منظور تصرف ایران و سرزمین‌های ماورای آن انجام گرفته است؛ چراکه پهنه‌آبی اقیانوس هند و دریای عمان در جنوب و پهنه‌آبی خزر در شمال، امکان اتصال قلمروها و مناطق جغرافیایی واقع در ماورای مرزهای شرقی و غربی را مشکل کرده و همچون عاملی بازدارنده و مانعی نفوذناپذیر بر سر راه مهاجمان قرار داشته‌اند؛ از این رو، آن‌ها به‌ناچار مسیر ایران را برای عبور انتخاب کرده‌اند (حافظنیا، ۱۳۸۷: ۳۹).

موقعیت جغرافیایی. نظریه‌های ژئوپلیتیک مکیندر<sup>۱</sup> اسپایکمن<sup>۲</sup>، کوهن<sup>۳</sup> و ماهان<sup>۴</sup> به موقعیت جغرافیایی ایران توجه کرده‌اند. موقعیت جغرافیایی ایران به‌گونه‌ای است که از نظر تاریخی در مسیر عبور راه ابریشم قرار داشته و به‌علت واقع شدن بین مناطق خزر و خلیج فارس از یک سو و آسیا و اروپا از سوی دیگر، کوتاه‌ترین مسیر برای عبور راه‌های شوسه و آهن و از شمال به جنوب، عبور لوله‌های نفت و گاز آسیای مرکزی به اروپا و طرح سوآپ<sup>۵</sup> است. همچنین راه‌آهن ایران می‌تواند آسیای شرقی و جنوبی را به اروپا و خلیج فارس وصل کند. موقعیت جغرافیایی ایران باعث برخورداری این کشور از مرز زمینی و دریایی مشترک با کشورهای مختلف از جمله کشورهای حاشیه خزر شده است. کثرت همسایگان ایران در این منطقه ژئوپلیتیک و اتخاذ سیاست خارجی متفاوت از سوی هر یک از آن‌ها، احتمال تعارض میان آن‌ها را افزایش می‌دهد. موقعیت دریایی ایران علاوه بر خلیج فارس با ۱۲۵۹ کیلومتر و دریای عمان با ۷۸۴ کیلومتر، دربرگیرنده ۶۵۷ کیلومتر مرز دریایی در خزر است. بر این اساس، ایران می‌تواند از مزایای اقتصادی و دفاعی خزر نیز به‌عنوان ارزان‌ترین وسیله حمل‌ونقل و تجارت و دارنده مقادیر درخور توجهی منابع معدنی و غذایی ارزشمند، استفاده

۱. ایران در قلمروی حاشیه و در مجاورت هارتلند

۲. ایران در بخش حساس ریملند

۳. ایران بخشی از کمر بند خردشده خاورمیانه

۴. موقعیت گذرگاهی ایران بر سر راه روسیه به اقیانوس هند

۵. معاوضه نفت بین حوزه‌های خزر و خلیج فارس

کند. از سوی دیگر، موقعیت ساحلی ایران در خزر، کشور را در معرض ارتباطات بین‌المللی قرار می‌دهد و با توجه به اینکه این منطقه محل اتصال دو استراتژی بری و بحری است، می‌تواند با نفوذ خارجی در قلمرو خود مواجه شود و امنیت ملی تحت تأثیر قرار گیرد. در مجموع، موقعیت جغرافیایی ایران باعث برخورداری این کشور از موقعیت مرکزی هم شده است که دارای مزایای قاطع نظامی، اقتصادی و جغرافیایی است؛ از این رو، موقعیت جغرافیایی ایران را می‌توان استراتژیک قلمداد کرد؛ چراکه در بعد نظامی بسیاری از تنگه‌های دریایی را در اختیار دارد و بر عبور و مرور کشتی‌ها نظارت می‌کند، در بعد اقتصادی نیز معادن غنی نفت و گاز و فلزات مهم را در قلمرو خود دارد، از نظر جغرافیایی نیز مسیر ایران جهت انتقال انرژی مناطق خزر و خلیج فارس باثبات و به‌صرفه است (ملکوتیان، ۱۳۸۳: ۲۰۷).

موقعیت جغرافیایی ایران می‌تواند در برخی وضعیت‌های حساس بر معادلات سیاسی و امنیتی کشور تأثیرگذار باشد. تلاش ایالات متحده آمریکا برای خارج کردن موقعیت جغرافیایی ایران از مسیر انتقال انرژی نفت و گاز خزر به سایر کشورها می‌تواند به کاهش یکی از ابزارهای مهم ایران جهت چانه‌زنی سیاسی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی منجر شود. به عبارتی، عبور خط لوله خزر از مسیر ایران به معنای گره‌خوردن امنیت انرژی سایر کشورها با امنیت ملی ایران و افزایش توانمندی‌های سیاسی این کشور قلمداد می‌شود؛ لذا، نادیده‌انگاشتن مسیر ایران می‌تواند گامی در جهت بی‌اهمیت جلوه‌دادن موقعیت جغرافیایی آن نیز باشد (کاپوانی‌راد و مالدار، ۱۳۹۶: ۸۴۵).

**وسعت:** وسعت زیاد قلمرو ایران باعث تعدد واحدهای جغرافیایی، تنوع طبیعی و انسانی در داخل کشور، تنوع معیشتی، اجتماعی، قومی - نژادی و زبانی بوده است که این تفاوت‌ها و تنوعات در پهنه جغرافیایی کشور زمینه ایجاد واحدهای جغرافیایی و در نتیجه تقسیم‌بندی فضای سرزمین را فراهم می‌آورد (اعظمی و دبیری، ۱۳۹۰: ۱۵۱). از سوی دیگر، این وسعت درخور توجه در تبدیل ایران به قدرت منطقه‌ای نقش بسزایی ایفا می‌کند، علاوه بر این، توانمندی‌های دفاعی کشور را افزایش می‌دهد و می‌توان از ظرفیت‌های طبیعی آن، صنعت، معدن، اراضی کشاورزی، محصولات باغی متنوع و غیره، در راستای تقویت بنیان‌های اقتصادی بهره برد.

**توپوگرافی:** از نظر ناهمواری، ارتفاعات به‌عنوان عامل طبیعی تا حدی در سرنوشت سیاسی و امنیت ملی ایران تأثیرگذارند. مرزهای سیاسی ایران در برخی مناطق با سرحدات طبیعی به‌ویژه ارتفاعات هماهنگ است که این مسئله منجر به شکل‌گیری موقعیت پدافندی



مطلوب‌تری شده است. علاوه بر این، ایران در داخل کمربند بیابانی نیمکره شمالی قرار دارد که نصف آن را کوه‌ها، یک‌چهارم را جلگه‌ها و یک‌چهارم دیگر را صحرا و بیابان‌ها تشکیل می‌دهند. رشته‌کوه‌های البرز در امتداد سواحل منحنی‌شکل جنوب دریای خزر به‌مثابه سدی، تفاوت آب‌وهوا، موقعیت اقلیمی و پوشش نباتی جنوب و شمال البرز را کاملاً متفاوت کرده است (همان: ۱۵۲). علاوه بر این، کوه‌های ایران در شمال (البرز) و غرب (زاگرس) مشکلاتی در امر ساختن راه‌های ارتباطی و عبور ابرهای برخاسته از دریای خزر و مدیترانه به مرکز کشور پدید آورده و باعث جدایی برخی اقوام از سایرین شده؛ اما مزایای دفاعی و تعدیل درجه هوا (کوه‌های مرکزی) از نقاط قوت آن است.

کویرها، دریاها و جنگل‌ها از دیگر چهره‌های عمده جغرافیایی ایران هستند که می‌توانند نقش دفاعی و بازدارنده در مقابل تهدیدهای احتمالی خارجی ایفا کنند. مرزهای ایران در مناطق مختلف شکل مختص به خود (محدب، مقعر و مستقیم) را دارند. مرزهای محدب کشور می‌توانند دستخوش آفند نیروهای مهاجم شوند، ابتکار عمل نظامی را در اختیار آن‌ها قرار دهند و امنیت ملی کشور را با چالش مواجه سازند. در رابطه با شبکه آب‌ها در کشور می‌توان به نقش بازدارنده آن‌ها اشاره کرد. با وجود این، خشکی این شبکه‌ها می‌تواند تنش‌های سیاسی آب‌پایه و ناامنی اجتماعی نظیر مهاجرت، فقر و حاشیه‌نشینی را به‌دنبال داشته باشد (عزتی، ۱۳۹۰: ۹۰). در خصوص شکل کشور می‌توان گفت مهم‌ترین تأثیر شکل هندسی در نحوه اعمال قدرت حکومت مرکزی بر پهنه کشور است. ایران شکل چهارضلعی نامنظم دارد که قطر بزرگ آن از آرارات تا خلیج گواتر حدود ۲۲۱۰ کیلومتر و قطر کوچکش از سرخس تا دهانه اروندرود ۱۴۰۰ کیلومتر است. شکل کشور ایران در حد متوسط میان شکل دایره‌ای و شکل طولانی (مایل به طولانی) قرار می‌گیرد. طولانی‌بودن ایران باعث افزایش طول مرزها و افزایش فاصله‌ها می‌شود؛ در نتیجه این کشور به امکانات دفاعی بیشتری نیاز دارد و با توجه به وجود موانع طبیعی ممکن است مشکلاتی در کشیدن راه‌ها یا وحدت داخلی ایجاد کند (ملکوتیان، ۱۳۸۳: ۲۰۹).

**اقلیم:** اقلیم ایران که دربرگیرنده متغیرهای مختلف نظیر آب‌وهوا، آب، خاک، پوشش گیاهی و زندگی حیوانی است، در ترکیب با متغیرهای کالبدی، وضعیت‌های گوناگونی را برای زیستن انسان و فعالیت‌هایش ایجاد می‌کند. این الگوهای اقلیمی (صحرائی، کوهستانی و خزری) که متأثر از عرض جغرافیایی، موقعیت جغرافیایی، ارتفاعات و توده‌های هوا با منشأ بیرونی هستند، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را برای دولت ایران و تمامی باشندگان مستقر در

این پیکره جغرافیایی به وجود می‌آورند. بهره‌برداری بی‌رویه از خاک در نتیجه افزایش جمعیت (نیاز به غذا)، کاهش منابع خاک به علت اشغال فضا (تغییر کاربری اراضی کشاورزی به مسکونی) و فرسایش خاک در نتیجه عوامل طبیعی (بارندگی) و انسانی (از بین بردن مراتع، جنگل‌ها، پوشش گیاهی و شکار حیوانات، منابع دامی و آبیان)، امنیت زیست‌محیطی و اقتصادی ایران را به چالش می‌کشد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۷: ۸۷).

**عوامل متغیر: جمعیت.** کنشگران و بازیگران سیاسی به جمعیت و انسان‌ها توجه دارند، به طوری که کمیت و کیفیت آن‌ها در افزایش یا کاهش قدرت ملی و جمعی ایران نقش دارد. اندازه مناسب جمعیت ایران که بتواند حداکثر درآمد سرانه و رفاه اقتصادی را فراهم آورد و به لحاظ کیفی سرچشمه اصلی قدرت سیاسی، وحدت و انسجام داخلی، موازنه سیاسی درون سیستم و ذاتاً سازگار با سیستم سیاسی باشد، پشتوانه‌ای برای امنیت ملی کشور است. در جنگ‌های نوین نیز تعداد افراد جمعیت ایران نه تنها از جنبه تولید نیروی نظامی متشکل و فعال اهمیت دارد، بلکه به عنوان پشتیبان نیروهای نظامی و تکیه‌گاه قدرتمند ارتش ملی در دفاع از خانه و کاشانه، تجهیز ارتش و تغذیه آن و بسیج ملت اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. از سوی دیگر، کمبود و یا اضافه جمعیت سرچشمه ضعف و ناتوانی در فرایند توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور تلقی می‌شود. همچنین الگوی نامتعادل پخش جمعیت که خود ناشی از الگوی نامتعادل پخش منابع است، می‌تواند شکاف فضایی مرکز-پیرامون را در ایران افزایش دهد و کشمکش و تضاد را به دلیل بی‌عدالتی جغرافیایی به همراه داشته باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۸۲).

**تاریخ و تمدن:** سرزمین کنونی ایران بخش بزرگی از یک واحد جغرافیایی به نام فلات ایران است که با تنوع اقلیمی و زیستی و ویژگی‌های مختص به خود باعث وحدت فرهنگ ایرانی شده است. پاسداشت تمدن ایرانی در سطوح ملی و بین‌المللی می‌تواند اذهان و افکار عمومی سایر کشورها را در خصوص ایران شکل دهد. در صورت مثبت جلوه دادن تمدن ایرانی، انگاره‌های بین‌الادهرانی بازیگران مبتنی بر همکاری فرهنگی و سیاسی با ایران شکل خواهد گرفت. در غیر این صورت، فرهنگ و تمدن کهن ایرانی ممکن است از سوی برخی از قدرت‌های بزرگ منفی و خشونت‌آمیز جلوه داده شود که پیامد آن امنیتی کردن ایران و فشار افکار عمومی جهانی به منظور به حاشیه راندن کشور در فضای بین‌المللی، اعمال تحریم و شکل‌گیری تنش‌های سیاسی و نظامی احتمالی خواهد بود.

**قومیت و زبان:** سرزمین ایران دارای ساختار چندقومی است. با توجه به حضور قومیت‌های مختلف در دو سوی مرزهای شمالی ایران، حضور ایالات متحده آمریکا می‌تواند تهدیدی بالقوه برای بروز و ظهور بحران‌های قومیتی باشد. آذربایجان به‌عنوان یکی از پایگاه‌های مهم قدرت‌های بزرگ در سواحل خزر قادر است با تحریک مسائل قومی در مرزهای مشترک خود با ایران، این کشور را در معرض تهدیدهای امنیتی قرار دهد. از سوی دیگر، هر یک از این اقوام، زبان و گویش مختص به خود را دارند. در وضعیتی که توزیع فضایی عادلانه قدرت و ثروت میان این اقوام صورت نگیرد، نه تنها رشد و توسعه متوازن در مناطق جغرافیایی مختلف کشور ایجاد نمی‌شود، بلکه شکاف قومی و زبانی میان باشندگان و انسان‌هایی که در این فضای سرزمینی هستند، بیشتر خواهد شد؛ از این رو، بی‌توجهی به اقوام و زبان آن‌ها می‌تواند نفوذ نیروها و بازیگران خارجی در میان آن‌ها را به‌همراه داشته باشد که خود عاملی در به‌خطر افتادن امنیت ملی ایران خواهد بود (حسینی، ۱۳۹۹: ۵۳).

**دین و مذهب:** مذهب شیعه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به‌عنوان عاملی متغیر در راهبرد ژئوپلیتیک ایران نقش برجسته‌ای بازی کرده است. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، آمریکا بر این باور بوده که ایران قدرت منطقه‌ای و رقیب ایدئولوژیک است و با آن وارد منازعه و تنش سیاسی می‌شود. در این اوضاع، نقش مذهب شیعه به‌دلیل استفاده ایران از توان حداکثری آن بیشتر شده و امروز به ژئوپلیتیک مقاومت معروف شده است. با وجود این، افرادی که در ایران سنی‌مذهب هستند، در صورت وارد نشدن به نظام سیاسی و توزیع نکردن فضایی ثروت می‌توانند دچار واگرایی و تحركات گریز از مرکز شوند.

**منابع طبیعی:** منابع طبیعی موجود در سرزمین ایران، فرصت‌هایی هستند که انسان‌ها و بازیگران سیاسی-اجتماعی به‌شدت در پی آن هستند و برای دستیابی به آن از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند. منابع انرژی موجود در این قلمرو را می‌توان در چهارچوب انرژی‌های فسیلی (نفت، گاز، زغال‌سنگ)، آبی (انرژی الکتریکی)، خورشیدی (تابش نور خورشیدی)، هسته‌ای (نیروگاه‌های اتمی) و بادی (الکتریکی) مشاهده کرد. از دیگر منابع طبیعی موجود در ایران، منابع غذایی (اقتصاد کشاورزی و دامی) و منابع معدنی (صنعت و فلزات استراتژیک) هستند. تمامی این منابع باعث افزایش توانمندی‌های اقتصادی کشور، کاهش وابستگی به خارج و مانع از نفوذ و سلطه بیگانگان بر کشور می‌شوند. تنوع در بهره‌مندی از این منابع می‌تواند قدرت چانه‌زنی سیاسی ایران را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی افزایش دهد.

**نهادهای سیاسی و اجتماعی:** نهادهای سیاسی در ایران به صورت رسمی و غیررسمی بر معادلات قدرت در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیرگذارند. قوای سه‌گانه مجریه، مقننه و قضائیه در کنار یکدیگر اهداف اقتصاد و سیاسی را دنبال می‌کنند تا بتوانند ضمن رشد و توسعه در اقصانقاط فضای جغرافیایی ایران، امنیت ملی را تضمین نمایند. با وجود این، برخی نهادهای غیررسمی ممکن است با جهت‌گیری‌های سیاسی نامطلوب، اوضاع را به ضرر کشور تغییر دهند که پیامد آن کاهش سطح ارتباطات و مناسبات سایر کشورها با جمهوری اسلامی خواهد بود. از سوی دیگر، نهادهای اجتماعی بر پایه نظام سیاسی، سازمان اقتصادی، عادات، تاریخ و اعتقادات ملت ایران پایه‌گذاری شده‌اند. انسجام و همبستگی این نهادهای اجتماعی می‌تواند ضریب نفوذ بازیگران خارجی در قلمرو ایران را کاهش دهد و امنیت ملی کشور را تأمین نماید.

**قدرت:** با توجه به اینکه ژئوپلیتیک به ابعاد فضایی - جغرافیایی مناسبات قدرت و رفتار سیاسی بازیگران عرصه‌های سیاست ملی و بین‌المللی می‌پردازد، قدرت به‌عنوان جوهر ژئوپلیتیک بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار است. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران نیازمند به‌کارگیری توانایی‌های خود در صحنه بین‌المللی جهت استفاده از امکانات و منابع برای تأثیرگذاری بر رویدادهای بین‌المللی به نفع خود و تأمین امنیت ملی است. قدرت ایران در این عرصه می‌تواند به‌صورت سخت (نظامی و اقتصادی) و نرم (ظرفیت‌های فرهنگی، رسانه‌ای و دیپلماتیک) بر مناسبات سیاسی تأثیرگذار باشد. به‌کارگیری انواع و ابعاد قدرت ملی از سوی جمهوری اسلامی، مستلزم وجود مبانی جغرافیایی است. در این زمینه می‌توان به موقعیت جغرافیایی، وسعت، بنیادهای زیستی، منابع زیرزمینی، جمعیت و ملت اشاره کرد.

از نظر موقعیت جغرافیایی می‌توان به قرارگرفتن ایران در مسیر انتقال انرژی دریای خزر و خلیج فارس اشاره کرد که در صورت عبور خط لوله از فضای سرزمینی ایران، نه تنها قدرت ملی ایران افزایش پیدا می‌کند، بلکه به دلیل گره‌خوردگی امنیت خطوط لوله با امنیت قلمرو ایران، امنیت ملی کشور نیز تأمین خواهد شد. علاوه بر این، موقعیت استراتژیک و ساحلی ایران امکان ابتکار عمل کشور را بیشتر کرده است، به طوری که ایران می‌تواند ضمن استفاده از موقعیت نظامی و اقتصادی (منابع بستر و زیربستر دریا و منابع شیلات)، نقش مهمی نیز در ترانزیت انرژی ایفا کند و قدرت ملی خود را افزایش دهد. از سوی دیگر، وسعت قلمرو ایران نه تنها بهره‌مندی از منابع و معادن اقتصادی متنوع را در اقصانقاط جغرافیایی کشور به

همراه دارد، بلکه در دفاع از مرزهای ملی، عمق استراتژیک ایجاد می‌کند و حاشیة امنیتی برای کشور به وجود می‌آورد، به‌طوری که دولت می‌تواند تأسیسات حیاتی، نیروی پشتیبانی و توانایی‌های نظامی خود را منتقل کند و از دسترس دشمن دور نگه دارد (حافظنیا، ۱۳۹۰: ۲۸۰). در رابطه با بنیادهای زیستی، ایران می‌تواند از طریق مدیریت منابع آب و خاک و توانمندی‌های صادراتی، قدرت خود را در سطح منطقه و جهان افزایش دهد. به‌رغم کمبود منابع آبی در برخی مناطق جغرافیایی کشور می‌توان در بخش کشاورزی و صنعت به تولید محصولات داخلی و سپس صادرات آن‌ها و درآمدزایی پرداخت. آب‌وهوای مطلوب ایران نیز که از تنوع چهار فصل برخوردار است، امکان برداشت محصولات کشاورزی در فصل‌های مختلف سال را فراهم آورده که پشتوانه‌ای برای قدرت ملی است. موقعیت ناهمواری‌های ایران نیز که دربرگیرنده مثلث رشته‌کوه زاگرس، البرز و دشت لوت است، از جمله عوامل مؤثر دفاعی-امنیتی محسوب می‌شود (کامران و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۵). در مجموع، جمهوری اسلامی ایران از سرچشمه‌های تولید قدرت ملی در قلمرو خود برخوردار است و با استفاده از ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها می‌تواند در معادلات سیاسی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی ضمن پیگیری منافع، امنیت ملی خود را نیز تأمین کند.

**سیاست:** با توجه به اینکه مهم‌ترین عرصه تجلی رابطه جغرافیا و سیاست، نظام سیاسی مستقل یا حکومت در فضای سرزمینی است، بازیگران سیاسی می‌توانند با اتکا به عنصر قدرت بر امنیت ملی ایران تأثیرگذار باشند. بر این اساس، افراد و نهادهای خرد اجتماعی، حکومت ملی، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی بر امنیت ملی ایران تأثیرگذار هستند. حکومت که در موقعیت روبنایی و به‌نیابت از ملت و سرزمین ایران نقش ایفا می‌کند، در چهارچوب ایدئولوژی مشخص و از طریق نهادهای سیاسی، اداری، خدماتی و غیره که دربرگیرنده قوای سه‌گانه است، اقدام می‌کند. کارگزاران ایرانی در نهادهای حکومتی به‌واسطه عنصر قدرت، اراده خود را بر انسان‌ها، فضاها و مکان‌های جغرافیایی کشور اعمال می‌کنند. این‌گونه اعمال قدرت سیاسی برای حفظ موجودیت کشور و حکومت، گامی در راستای ایجاد رفاه عمومی، تأمین امنیت ملی، تنظیم روابط بین‌المللی و منافع ملی ایران است.

از سوی دیگر می‌توان به افراد و نهادهای اجتماعی اشاره کرد که طیف رهبران، نخبگان سیاسی و ایدئولوژیک ایران را در بر می‌گیرند. این رهبران و نخبگان با داشتن موقعیت مرجع، نقش اجتماعی و سیاسی ایفا می‌کنند و بر تحولات اجتماعی و سیاسی جامعه ایرانی اثر می‌گذارند. آن‌ها می‌توانند در سیاست، اقتصاد و ارتش، روابط قدرت را شکل دهند و با

هدایت مردم تسلط خود را بر توده‌های بدون قدرت اعمال کنند. در این میان، احزاب سیاسی و گروه‌های دارای نفوذ در راستای منافع خود عمل می‌کنند. آن‌ها به ترتیب در پی فتح قدرت و تأثیرگذاری بر سیاست‌های حکومت هستند. این امر به شکل‌گیری نیروهای سیاسی در بطن جامعه منجر می‌شود که باعث پویایی سیاسی در جامعه می‌گردد و الگوهای پیچیده‌ای از رقابت، نزاع، کشمکش، هم‌گرایی، واگرایی و نظایر آن را به وجود می‌آورد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۲۲۴). سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی نیز بر سیاست کشورها و مسائل امنیتی تأثیرگذار هستند. این سازمان‌ها با توجه به ماهیت‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، دفاعی، امنیتی و غیره می‌تواند بر رویکردهای سیاسی ایران و کنشگری آن در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیرگذار باشند. در این میان، برخی پیمان‌های دوجانبه و چندجانبه میان بازیگران مختلف بسته می‌شوند که قادر به تأثیرگذاری بر رفتار بازیگران عضو خود و یا اعمال فشار بر سایر حکومت‌ها به منظور هم‌سو کردن آن‌ها با سیاست‌های خود هستند. این پیمان‌ها عمدتاً دفاعی و امنیتی هستند و می‌توانند امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تحت‌الشعاع قرار دهند.

در مجموع، جغرافیا به‌عنوان بستر و زیربنا عمل می‌کند و نهادهای سیاسی اخیر به‌مثابه عامل و بازیگر سیاسی عمل می‌کنند که هرکدام تأثیر خاص خود را بر امنیت ملی ایران دارند. بر این اساس، انسجام میان رهبران، احزاب، نیروهای اجتماعی، گروه‌های دارای نفوذ و توده مردم در فضای سرزمینی ایران از یک سو و درپیش‌گرفتن دیپلماسی فعال در سطح بین‌المللی از سوی دیگر می‌تواند امنیت ملی ایران را تأمین کند.

## ۲. بنیان‌های ژئوپلیتیک و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خزر

دریای خزر، بزرگ‌ترین پهنه آبی محصور در خشکی جهان، در نقشه‌های جهان به کاسپین معروف است. این دریا از شمال به روسیه، از جنوب به ایران، از غرب به جمهوری آذربایجان و از شرق به قزاقستان و ترکمنستان محدود می‌شود. طول، پهنا و محیط دریای خزر به ترتیب ۱۲۰۴، ۲۲۰ تا ۵۵۰ و ۶۵۰۰ کیلومتر است. طول سواحل ایران، جمهوری آذربایجان، روسیه، ترکمنستان و قزاقستان به ترتیب ۶۵۷، ۸۲۰، ۱۴۷۶، ۱۶۴۷ و ۱۹۰۰ کیلومتر است. در حالی که کشورهای ساحلی خزر حدود ۲۳۷/۴ میلیون نفر جمعیت دارند، تنها ۱۴/۷ میلیون نفر از جمعیت آن‌ها در مناطق ساحلی دریای خزر زندگی می‌کنند (Kasarof, 2021: 36).

حوزه خزر در ابتدا به‌عنوان منطقه‌ای جغرافیایی مطرح بود که به‌تدریج و در نتیجه تحولات تاریخی بر بار سیاسی آن افزوده شد و در زمره مناطق ژئوپلیتیک قرار گرفت. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، این منطقه را می‌توان مولود ژئوپلیتیک دانست؛ چراکه سه کشور جدید قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان در سواحل خزر شکل گرفتند و به مناسبات سیاسی میان بازیگران ساحلی شکل دادند. این منطقه ژئوپلیتیک نه تنها به سازه‌های ژئوپلیتیک میان بازیگران ساحلی و کشمکش سیاسی و حقوقی میان آن‌ها تبدیل شده است، بلکه با توجه به وسعت زیاد، جمعیت درخور ملاحظه و ظرفیت‌هایی از قبیل ذخایر و منابع انرژی، حمل‌ونقل و غیره توجه کشورهای فرامنطقه‌ای را نیز به خود جلب کرده است. بر این اساس، می‌توان از رقابت سیاسی میان بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این منطقه ژئوپلیتیک سخن به میان آورد که با توجه به حضور ایران به‌عنوان کشوری ساحلی در این منطقه، امنیت ملی‌اش می‌تواند تحت‌الشعاع اقدامات این بازیگران قرار گیرد. این مسئله نشان می‌دهد که بنیان‌های ژئوپلیتیک ثابت و متغیر در منطقه خزر اعم از موقعیت جغرافیایی، وسعت، مرزها، شکل سواحل، منابع انرژی، جمعیت و غیره مناسبات قدرت و سیاست را در این فضا تحت تأثیر قرار می‌دهند. بر این اساس، منطقه ژئوپلیتیک خزر از جنبه‌های مختلف برای ایران اهمیت دارد؛ مانند رژیم حقوقی و بهره‌مندی از سهمیه موردنظر، توسعه منابع انرژی خود در خزر و قراردادان خطوط لوله پیشنهادی از فضای سرزمینی ایران، مقابله با آلودگی‌های زیست‌محیطی و مخالفت با فعالیت‌های نظامی در خزر به‌ویژه از سوی بازیگران فرامنطقه‌ای که با توجه به فعالیت‌های سایر بازیگران خزر می‌تواند مناسبات جغرافیا، قدرت و سیاست را تحت تأثیر قرار دهد و چالش‌ها و فرصت‌های امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کند (حسینی، ۱۳۹۹: ۵۱).

### ۳. فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیک و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خزر

منطقه ژئوپلیتیک خزر که مجموعه‌ای از واحدهای سیاسی- فضایی هم‌جوار را بر اساس ترکیب عوامل سیاسی و جغرافیایی خاص دارای تجانس، هویت مشخص و کارکرد مشترک در بر می‌گیرد، بسترساز شکل‌گیری الگوی فضایی روابط سیاسی دولت‌های درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای است. در این منطقه ژئوپلیتیک، عوامل و متغیرهای طبیعی و انسانی دارای کارکرد سیاسی هستند و نظر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به خود جلب می‌کنند. این منطقه که هنوز در مرحله سازه ژئوپلیتیک و کشمکش میان نیروهای هم‌گرا و واگرا قرار

دارد، فرصت‌ها و چالش‌های مختلفی را برای جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری ساحلی ایجاد می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۱۲).

در این چهارچوب، فرصت‌های ژئوپلیتیک و امنیتی جمهوری اسلامی ایران به‌معنای هم‌گرایی و رویکرد هم‌تکمیلی بازیگران برای استفاده از تمام ظرفیت‌ها و عوامل مثبت و متغیر ژئوپلیتیک با هدف حفظ استقلال و تمامیت ارضی، وحدت و امنیت ملی و تمام ارزش‌های حیاتی کشور است. به‌عبارتی، فرصت ژئوپلیتیک ایران در منطقه خزر به‌معنای درپیش‌گرفتن رویکرد منطقی و منطبق با واقعیت‌های ژئوپلیتیک کشورهای ساحلی در جهت مسامحه با یکدیگر است (ولی‌قلی‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۵). فرصت‌های ژئوپلیتیک ایران در منطقه خزر بر اساس امتیازها و برتری‌های محیط جغرافیایی در این حوزه تعیین می‌شوند. بهره‌بردن از این فرصت‌ها و تلاش برای دستیابی به برتری‌های جغرافیایی جدید و ارتقای برتری‌های پیشین می‌تواند در زمره اهداف امنیتی ایران باشد (احمدی‌پور و لشگری، ۱۳۸۹: ۳). از سوی دیگر، زمانی که استقلال و تمامیت ارضی، وحدت و امنیت ملی و ارزش‌های اساسی ایران به فضای جغرافیایی و سیاست بازیگران ساحلی پیوند می‌خورد، ژئوپلیتیک مشاجره شکل می‌گیرد (کامران و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰). ژئوپلیتیک مشاجره، به‌نوعی تعبیر چالش‌های ژئوپلیتیک است؛ یعنی ایجاد وضعیت برای کشوری نظیر ایران بر پایه عوامل مثبت و متغیر ژئوپلیتیک که سیاست‌هایش با استفاده از متغیرها و عوامل جغرافیایی در منطقه خزر تحت تأثیر قرار می‌گیرد. به‌عبارتی، منفعل کردن سیاست و استراتژی ملی بازیگری نظیر ایران می‌تواند با کاربرد عوامل و ارزش‌های جغرافیایی (کاربرد جغرافیا علیه کشورهای رقیب) صورت گیرد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۲۱). با توجه به اینکه هدف اولیه هر چالش ژئوپلیتیک، ایجاد انفعال در طرف مقابل به‌منظور تغییر رفتار آن است، برخی عوامل جغرافیایی که بر سیاست و مناسبات قدرت تأثیرگذارند، می‌توانند استراتژی ملی ایران را در این منطقه ژئوپلیتیک منفعل سازند.

در رابطه با فرصت‌ها باید گفت که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، موقعیت جغرافیایی ایران به کانون بالقوه ارتباط‌های بین‌المللی مناطق آسیای مرکزی و قفقاز تبدیل شده است. با توجه به اینکه بیشتر کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز محاط در خشکی هستند، سایر کشورهای جهان که مایل به گسترش مناسبات و ارتباطات با آسیای مرکزی و قفقاز هستند، چاره‌ای جز استفاده از راه‌های ایران، روسیه، ترکیه، چین و افغانستان ندارند. در میان این پنج کشور همسایه منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، ایران از موقعیت ارتباطی



ویژه‌های برخوردار است؛ چراکه ترکیه با مشکل اقوام کرد، چین با مشکل فقدان مرز مشترک با همه کشورهای منطقه، افغانستان با ناامنی سرزمینی، روسیه با مشکل دسترسی به آب‌های آزاد مواجه است. با توجه به این موقعیت، تنها ایران با آسیای مرکزی و قفقاز ارتباط‌های مواصلاتی مناسب دارد. دومین فرصت ژئوپلیتیک ایران این است که کشورهای حوزه قفقاز و به‌ویژه آسیای مرکزی برای ورود به اقتصاد جهانی به قلمرو ایران نیاز دارند. این کشورها بدون استفاده از راه‌های ارتباطی ایران نمی‌توانند تجارت موفق با جهان داشته باشند که این مسئله ناشی از موقعیت کم‌نظیر ایران بین دو حوزه بسیار مهم دریای خزر و خلیج فارس است. این موقعیت از نظر جغرافیایی چنان جایگاهی به ایران بخشیده که در حمل‌ونقل و تبادل کالا و خدمات اعم از جاده‌ای، ریلی، دریایی و حتی هوایی بین دو حوزه شمال و جنوب و حتی شرق و غرب و همچنین انتقال انرژی نقش بی‌بدیلی داشته باشد. بر این اساس، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان به قلمرو ایران احتیاج دارند و منافع و اهداف ملی آن‌ها تا حد زیادی به ارزش‌ها و برتری‌های جغرافیایی ایران پیوند خورده است (صفری، ۱۳۸۴: ۱۵).

سومین فرصت ایران، ذخایر و منابع انرژی خزر است. وجود ذخایر نفت و گاز می‌تواند پشتوانه مناسب و مطلوبی در جهت پرکردن خلأ ناشی از تحمیل هزینه‌های سنگین مربوط به مسیر رشد و توسعه تلقی شود. این مسیرها در نهایت می‌توانند به شکوفایی اقتصادی داخلی و اقتصاد آزاد منجر شوند. درآمدهای حاصل از نفت و گاز خزر نیز ثبات و استواری سیاسی را در این منطقه به ارمغان می‌آورند که برآیند آن حفظ امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری ساحلی است (احمدی‌پور و لشگری، ۱۳۸۹: ۱۲). خطوط انتقال انرژی نیز به‌رغم فرصت‌ها و جذابیت‌ها، چالش‌هایی برای بازیگران ساحلی و فرمانطقه‌ای خزر ایجاد کرده و رقابت بر سر منافع تجاری و سیاسی میان بازیگران این منطقه را رقم زده است (Kalyuzhnova & Pomfert, 2021: 1). چهارمین فرصت ایران، منابع آبی و آبریزان است. ظرفیت بیولوژیک چشمگیری در تولید شیلات و ماهیان خاویاری خزر وجود دارد. ایران با استفاده از این آبریزان می‌تواند ضمن کمک به صیادان محلی، به صادرات آن‌ها پردازد و درآمد درخور توجهی از این طریق کسب نماید. پنجمین فرصت، ذخایر و منابع معدنی است. در این زمینه می‌توان به طلا، کانی، اورانیوم، فراورده‌های کشاورزی و منابع برق‌آبی اشاره کرد. ششمین فرصت، ژئوتوریسم است. در سال ۲۰۱۷ سهم ایران از رشد صنعت گردشگری در دریای خزر حدود ۵ میلیارد دلار بود که منجر به پرواز سه شرکت هواپیمایی اروپایی معتبر به ایران شد. یکی از موانع پیش‌روی ایران در زمینه ژئوتوریسم خزر، کمبود مکان‌های

اقامتی است. کارگزاران و کارشناسان مرتبط با حوزه گردشگری کشور می‌توانند از طریق همکاری با بخش خصوصی، هتل‌ها، متل‌ها، قایق‌های تفریحی، راه‌اندازی تورهای دریایی، اتوبوس‌های دریایی و سایر جاذبه‌های طبیعی در اطراف خزر را گسترش دهند و جذب گردشگر را تسهیل کنند (حسینی، ۱۳۹۹: ۵۴).

از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران در برخی مسائل مربوط به حوزه خزر نظیر رژیم حقوقی، محیط‌زیست، انرژی و فعالیت‌های نظامی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با چالش‌هایی مواجه است. در مجموع مسایل ایران در خزر پیچیده است. با توجه به اینکه مسائل مربوط به امنیت زیست‌محیطی، غیرمستقیم زیر عنوان امنیت ملی قرار می‌گیرند، جمهوری اسلامی ایران نیز از این قضیه مستثنا نیست. از منظر ژئوپلیتیک زیست‌محیطی، خزر به‌عنوان اکوسیستم آبی بسته یا حداقل نیمه‌بسته، طیفی از مشکلات زیست‌محیطی ناشی از سیاست‌های افراطی کشورهای ساحلی دارد. خلأ رژیم حقوقی پایدار پس از فروپاشی شوروی این مشکلات را دوچندان کرده است. استقرار شهرها و شهرک‌های صنعتی متعدد در سواحل خزر نیز باعث شده است که آن‌ها فاضلاب‌های شهری و صنعتی خود را مستقیم به دریای خزر روانه سازند. علاوه بر این، آلودگی‌های نفتی، اصلی‌ترین منبع و بیشترین سهم از آلودگی‌های زیستی خزر را دارند. برداشت‌های نامتعارف نفت کشورهای شمالی از میدان‌های انرژی، عمده‌ترین دلیل آلودگی خزر به‌طور عام و آلودگی‌های نفتی آن به‌طور خاص است. یکی دیگر از مسائل به ارتباط محدود خزر با آب‌های آزاد، به‌دلیل بسته‌بودنش، مربوط می‌شود که توان پایینی در خودپالایشی (ناشی از گردش طبیعی)، تبخیر شدید و پایین‌آمدن سطح آب دارد (زرقانی و احمدی، ۱۳۹۷: ۱۵۱).

بیشترین آلودگی خزر ناشی از منابع مستقر در خشکی مانند تأسیسات پتروشیمی و فاضلاب‌های شهری، تخلیه نفت و مشتقات نفتی در دریا از سوی کشورهای شمالی به‌ویژه جمهوری آذربایجان و آلودگی‌های گسترده ناشی از رودخانه ولگا در روسیه است. ۷۵ درصد آلودگی‌های خزر مختص به روسیه است. بیشترین آلودگی این کشور به تأسیسات مستقر در خشکی و دفع پساب نیروگاه‌های اتمی و کارخانجات آن به خزر مربوط می‌شود. روسیه هر ساله فقط از طریق رودخانه ولگا بیش از ۱۳ میلیارد متر مکعب، فاضلاب به خزر می‌ریزد. از سوی دیگر، جمهوری آذربایجان تنها کشوری است که پروتکل الحاقی به کنوانسیون تهران را امضا نکرد. جمهوری آذربایجان، دریای خزر را تنها محلی برای چاه‌های نفت خود می‌داند. ۴۰ درصد جمعیت این کشور نیز در شهر ساحلی باکو زندگی می‌کنند که مستقیم

آلودگی خود را به خزر می‌ریزند. قزاقستان نیز از طریق میدان نفتی کاشغان موجب آلاینده‌گی اکوسیستم خزر می‌شود. بیشترین آلودگی ترکمنستان نیز مربوط به نشت نفت از تأسیسات و لوله‌های پوسیدهٔ مربوط به دوران فروپاشی شوروی است؛ اما این کشور به دلیل نداشتن جمعیت ساحلی کمترین سهم را در آلودگی خزر دارد (همان: ۱۵۸). در مجموع، آلودگی آب‌ها در منطقهٔ خزر بر انواع گونه‌های آبی تأثیر دارد، به طوری که مصرف برخی از آن‌ها توسط انسان‌ها به ویژه زنان باردار و کودکان با نگرانی‌هایی همراه است (Norouzi, 2021: 387).

در خصوص بنیان‌های ژئوپلیتیک مؤثر بر اقدامات کشورهای ساحلی که منجر به آلودگی خزر و پیامدهای زیست‌محیطی ناشی از آن برای جمهوری اسلامی می‌شوند می‌توان به مسائل زیر اشاره کرد: فقدان رژیم حقوقی ثابت، نگاه کالاگونه و منفعت‌طلبانه به منابع خزر، وابستگی کشورهای ساحلی به خصوص ترکمنستان، جمهوری آذربایجان و قزاقستان به فناوری غرب و به تبع آن هجوم شرکت‌های غربی به منطقه و بسته بودن خزر به لحاظ موقعیت طبیعی. از میان این عوامل به نظر می‌رسد فقدان رژیم حقوقی بر امنیت زیست‌محیطی ایران بیشتر تأثیرگذار باشد؛ چراکه این خلأ حقوقی باعث می‌شود کشورهای شمالی خزر نگاه منفعت‌طلبانه و سودجویانه‌ای به این دریا داشته باشند تا بتوانند کسب منفعت کنند که علت آن هم برخورداری از سواحل طولانی‌تر و وجود ذخایر نفتی بیشتر است.

در مجموع به نظر می‌رسد بنیان‌های ژئوپلیتیک ثابت و متغیر، زندگی ساکنان استان‌های ایران در کرانه‌های جنوبی خزر را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند. در زمینهٔ عامل انسانی، هر چند کنوانسیون حفاظت از محیط‌زیست دریای خزر<sup>۱</sup> و کمیسیون منابع زندهٔ دریای خزر به تصویب کشورهای ساحلی رسیده و آن‌ها را موظف به مفاد آن کرده است؛ اما گسترش آلودگی‌ها از رعایت نکردن کامل تعهدات توسط کشورهای عضو حکایت دارد. در رابطه با عوامل طبیعی که برای ایران تهدیدهای زیست‌محیطی به همراه دارند و امنیت ملی جمهوری اسلامی را در حوزهٔ خزر تحت تأثیر قرار می‌دهند، می‌توان به ریزگردها، تغییرات اقلیمی، رسوب‌گذاری، زلزله و نوسانات سطح آب اشاره کرد. ریزگردها پیامدهایی مانند کاهش تابش، کاهش تبخیر و کاهش مبادلهٔ انرژی دارند. تغییرات اقلیمی به برهم خوردن تعادل فصول، افزایش بیماری‌های اقلیمی و غیره منجر می‌شوند. رسوب‌گذاری، تغییرات چهرهٔ زمین، تغییر ترکیب املاح، ورود مواد سمی و خطرناک را به دنبال دارد. زلزله باعث فعالیت گسلی، تأثیر بر میدان‌های نفتی و نشت‌های نفتی می‌شود. نوسانات سطح آب نیز

---

<sup>۱</sup>. کنوانسیون تهران

باعث تهدیدهای بالآمدن آب، کاهش سطح آب و تغییر رژیم جریان‌های آب خزر می‌شود. تمامی این پیامدها در نهایت به دگرگونی‌های اکولوژیکی، آسیب‌پذیری خزر و کرانه‌ها (محصولاتی نظیر برنج، چای، صیادی و آسیب‌پذیری اقتصادی) و تهدید امنیت زیست‌محیطی و ملی جمهوری اسلامی ایران می‌شوند (رمضانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰۵).

در زمینه عامل انرژی، به نظر می‌رسد ژئوپلیتیک خطوط انتقال انرژی مهم‌ترین چالش پیش‌روی ایران باشد. در خصوص احداث خطوط لوله جدید از سوی کشورهای ساحلی خزر می‌توان گفت قلمرو ایران از این مسیرها حذف و منافع آن عاید سایر بازیگران خواهد شد. با احداث خط لوله باکو- جیحان جهت‌گیری ژئوپلیتیک منطقه خزر محور شرقی- غربی پیدا کرده است که این مسئله می‌تواند منجر به کاهش ارزش ژئوپلیتیک محور شمالی- جنوبی (ایران) شود. با عبور نکردن لوله‌های انتقال نفت خزر از مسیر ایران، برخی امتیازات از کشور سلب می‌شوند. در این زمینه می‌توان به فواید اقتصادی ناشی از ترانزیت انرژی خزر اشاره کرد؛ زیرا انتقال انرژی از قلمرو ایران می‌تواند درآمد زیاد و در عین حال پایدار و قابل برنامه‌ریزی را به دست آورد (حسینی، ۱۳۹۹: ۷۶).

از سوی دیگر، کاهش هزینه‌های نظامی ایران نیز می‌تواند مورد توجه باشد؛ زیرا ماهیت عبور خطوط لوله انتقال انرژی از مسیر ایران باعث پیوند خوردن امنیت کشور با امنیت کشورهای صادرکننده نفت می‌شود. ایران فاقد ابزارها و فناوری جدید برای بهره‌برداری از تمام منابع انرژی خزر است؛ از این رو نمی‌تواند سرمایه‌گذاری اقتصادی عمده در منطقه خزر انجام دهد و کشورهای این منطقه را به خود وابسته کند. اگرچه ایران می‌تواند از طریق صادرات خدمات فنی و مهندسی در پروژه‌های غیرنفتی مشارکت داشته باشد؛ اما در مجموع به نظر می‌رسد تکمیل‌کنندگی اندکی میان اقتصادی ایران و کشورهای منطقه خزر وجود دارد. شایان ذکر است که در ابتدای دهه نود میلادی، منطقه خزر بازار مطلوبی برای کالاهایی نظیر تولیدات کشاورزی و صنایع سبک ایران بود؛ اما به تدریج با حضور رقبایی همانند چین و ترکیه، ایران بازار خود را در این منطقه از دست داد. با توجه به حضور فزاینده چین در این منطقه نیز احتمال حضور اقتصادی ایران به‌عنوان کشور ارائه‌کننده کالاهای مصرفی به منطقه خزر اندک است. از سوی دیگر، جهت‌گیری سیاسی- جغرافیایی نادرست کارگزاران و فقدان درک صحیح از ضعف‌های ژئوپلیتیک و جغرافیایی ایران در منطقه خزر و به‌کارگیری مواضع غیرواقع‌بینانه در به‌حاشیه‌راندن ایران از مسیر ترانزیت انرژی خزر نقش مهمی ایفا می‌کنند. در این چهارچوب، روابط غیردوستانه ایران با قدرت‌های فرامنطقه‌ای به‌ویژه ایالات

متحده باعث می‌شود تا این بازیگران به دنبال محروم کردن ایران از منافع ژئوپلیتیک خود در خزر باشند (احمدی‌پور و لشگری، ۱۳۸۹: ۱۵-۱۲).

در زمینه مسائل نظامی، به نظر می‌رسد مهم‌ترین چالش‌های تضعیف‌کننده امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در حوزه خزر مؤلفه‌های زیر باشند: معرفی جمهوری اسلامی به عنوان محور شرارت و آشوب در منطقه خزر توسط آمریکا (عملیات روانی علیه ایران)، در تنگنا نگه داشتن و محاصره ژئوپلیتیک جبهه شمالی ایران توسط روسیه (رودخانه ولگا- دن در احاطه کامل روسیه)، نفوذ و استقرار گروه‌های مختلف تروریستی در کشورهای ساحلی خزر و دخالت بازیگران فرامنطقه‌ای نظیر آمریکا و اسرائیل در ترتیبات دفاعی-امنیتی سه کشور ساحلی قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان (شمس دولت‌آبادی و زرگرزاده، ۱۳۹۸: ۱۷۶).

در رابطه با بنیان‌های ژئوپلیتیک انسان‌ساخت می‌توان گفت تلاش بازیگران فرامنطقه‌ای خزر در جهت کاهش میزان نقش‌آفرینی ایران در این حوزه است؛ در واقع، هر اندازه آمریکا بتواند عملیات روانی را علیه نفوذ ایران در خزر افزایش دهد، به معنای کاهش حضور ایران در معادلات نظامی خزر و جلوگیری از ابراز وجود جمهوری اسلامی در مناسبات قدرت و سیاست خارجی فعالانه در این حوزه راهبردی خواهد بود. از سوی دیگر، تنوع اقوام ایرانی در حاشیه خزر (ترکمن، آذری، گیلک و غیره) به‌رغم اینکه ظرفیت درونی ایران به‌منظور بهره‌گیری از نقاط قوت نیروی انسانی آن‌ها در خزر (کشتیرانی و ماهیگیری) به شمار می‌روند؛ اما می‌توانند هدف بازیگرانی نظیر آمریکا و اسرائیل قرار گیرد و با تأکید بر شکاف میان اقوام، امنیت ملی جمهوری اسلامی را در منطقه با چالش مواجه سازند. همچنین برجسته‌ساختن تفاوت‌های دینی و مذهبی در میان این اقوام از سوی آمریکا و تأکید بر اینکه حقوق شهروندی آن‌ها از سوی جمهوری اسلامی نقض شده است، می‌تواند به افزایش شکاف میان باشندگان و انسان‌های مستقر در این مناطق و کاهش پشتوانه دفاعی-راهبردی ایران در خزر بیانجامد.

موقعیت جغرافیایی نیز بر وزن ژئوپلیتیک ایران و توان چانه‌زنی و رایزنی سیاسی‌اش در منطقه خزر تأثیرگذار است. در این زمینه می‌توان به حضور ایران در جنوب خزر اشاره کرد که از کانال‌های راهبردی نظیر رودخانه ولگا- دن برخوردار نیست. این در حالی است که احاطه کامل روسیه بر این رودخانه به مراتب توانمندی‌های ترانزیتی و راهبردی این کشور را در خزر افزایش داده است. از سوی دیگر، استقرار احتمالی برخی گروه‌های تروریستی برخوردار از ماهیتی سلفی و بنیادگرا در قلمرو برخی از کشورهای ساحلی می‌تواند موقعیت

جغرافیایی ایران در جنوب خزر را تحت‌الشعاع پیامدهای امنیتی ناشی از این‌گونه تحرکات قرار دهد. دخالت بازیگران فرامنطقه‌ای در حوزه خزر و برقراری مناسبات امنیتی- نظامی با بازیگران ساحلی به معنای کاهش کنشگری ایران در این منطقه و تضعیف احتمالی ضریب امنیت ملی جمهوری اسلامی خواهد بود. شاخص دیگر، شکل سرزمینی و وضعیت توپوگرافی ایران در خزر است. ساحل ایران در جنوب خزر شکل نسبتاً ساده‌ای دارد که تنها در غرب توسط مرداب انزلی و در شرق توسط خلیج گرگان قطع می‌شود. عرض ساحل از حدود یک کیلومتر در بخش میانی تا حدود شصت کیلومتر در بخش دلتاهای بزرگ سفیدرود و گرگان‌رود تغییر می‌کند. مهم‌ترین پدیده زمین‌ساختی ساحل ایران، وجود رشته‌کوه البرز است که سواحل ایران را محاصره کرده و به واسطه چند گسل بزرگ با اختلاف ارتفاع زیاد از ساحل متمایز است. بستر دریا در سوی ساحل ایران ساختاری ناهمگن دارد. گودترین نقطه خزر نیز در نزدیکی سواحل ایران است که ۹۸۰ متر عمق دارد. در رابطه با وسعت باید اشاره کرد که ایران کمترین میزان سواحل (۶۵۷ کیلومتر) را در خزر دارد که همین مسئله ضمن کاهش سهم ایران از خزر می‌تواند به لحاظ راهبردی و نظامی، برای امنیت ملی جمهوری اسلامی چالش ایجاد کند. در مجموع، روابط سیاسی- تجاری کشورهای منطقه خزر با بنیان‌های ژئوپلیتیک روابط دوجانبه این بازیگران در ارتباط بوده و بر مناسبات آن‌ها با جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار است (Aydin, 2020: 5).

### نتیجه

با توجه به تأثیرگذاری عوامل جغرافیایی بر سیاست به واسطه مناسبات قدرت و تعامل‌های فضایی بازیگران می‌توان نتیجه گرفت که هدف اساسی هر دولت کناره‌م‌آوردن بخش‌های مختلف قلمرو در زیر نظام سازمان‌دهی شده واحدی است. این رویکرد در چهارچوب ایجاد نظم و امنیت قرار می‌گیرد؛ چراکه عوامل ژئوپلیتیک ذاتاً میل به گسترش قدرت دارند؛ در واقع، دولت‌ها در تلاش هستند با بهره‌گیری از عوامل ژئوپلیتیک، قدرت خود را افزایش دهند و ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و توانایی‌های جدیدی را در جهت افزایش امنیت ملی ایجاد کنند؛ بنابراین، می‌توان میان افزایش قدرت ژئوپلیتیک و افزایش امنیت ملی رابطه‌ای مستقیم پیدا کرد. در این وضعیت، بسیاری از امور متنوع فضایی بر ابعاد مختلف امنیت ملی (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، محیطی و نظامی) تأثیرگذارند. علاوه بر این، با توجه به گونه‌های تهدیدهای امنیتی، دولت‌ها در تلاش هستند تا در راستای حفظ امنیت ملی، وفاداری

ملی انسان‌ها در پیکره سرزمینی خود را جایگزین وفاداری‌ها و علائق محلی سازند. علاوه بر فضای سرزمینی داخلی یک قلمرو، فضای جغرافیایی که موقعیت بازیگر و کنشگر فعال در سطح منطقه‌ای ژئوپلیتیک را مشخص می‌سازد، بر تأمین یا تهدید امنیت ملی آن تأثیرگذار است. بر این اساس، فضای جغرافیایی را می‌توان عامل اصلی تأثیرگذار در مباحث امنیتی قلمداد کرد که بر بنیاد آن، شناسایی و اولویت‌بندی جغرافیای منطقه‌ای، ملی و محلی به‌منظور تدوین برنامه‌های امنیتی شکل می‌گیرد. از طریق شناسایی این فضاها و نقاط قوت (ذخایر انرژی، وسعت، عمق جغرافیایی، جمعیت، نیروی انسانی نخبه و غیره) و ضعف (تکثر قومی، تنش‌های سیاسی میان بازیگران) موجود در آن‌ها می‌توان تهدیدهای بالقوه و ضدامنیت ملی در منطقه‌ای ژئوپلیتیک را شناسایی و راهبرد متناسب با آن اتخاذ کرد.

از سوی دیگر، فضاهای جغرافیایی بر مجموعه امنیتی منطقه‌ای تأثیرگذارند به طوری که تحلیل و فهم امنیت در ناحیه اکولوژیک و واحدهای سیاسی بدون درک اساسی از وابستگی متقابل به وضعیت و الگوهای امنیت منطقه‌ای که در آن واقع شده‌اند، نادرست به نظر می‌رسد. بر این اساس می‌توان گفت امنیت فضاهای جغرافیایی در درجه نخست تابع فضای سرزمینی و موقعیت مکانی خود هستند. قرارگیری یک قلمرو در مجاورت ساحل یا تنگه‌ها می‌تواند بر موضوع حاکمیتی آن و چگونگی رابطه سرزمینی و ترسیم مرزهای فضایی-مکانی با همسایگان تأثیرگذار باشد. استقرار در کوهستان‌ها، جلگه‌ها و دشت‌ها نیز می‌تواند تبعات امنیتی متفاوتی به‌همراه داشته باشد. علاوه بر این، نزدیکی به کانون‌های ناامن و بحران‌ساز یا دوری از آن‌ها تأثیر مستقیمی بر امنیت منطقه و امنیت ملی واحدهای سیاسی دارد. از سوی دیگر، برخورداری از شکل سرزمینی مناسب نظیر رشته‌کوه‌ها و جنگل‌ها یا وضعیت بیابانی بر امنیت ملی تأثیرگذارند. وسعت یک قلمرو نیز نه تنها منجر به بهره‌مندی از منابع و ذخایر موجود در آن و تنوع آب‌وهوایی جهت کشت محصولات کشاورزی به‌منظور رشد و رونق اقتصادی می‌شود، بلکه عاملی بازدارنده در مقابل تهدیدهای احتمالی خارجی است؛ در واقع، وسعت و پهناوری یک قلمرو فرصت دفاع در وضعیت حساس نظامی را فراهم می‌سازد. با وجود این، پراکنش نامناسب سکونتگاه‌های انسانی و ضعف ابزارهای دفاعی در این فضای وسیع، ضریب نفوذ و بحران را افزایش می‌دهد و بر امنیت نواحی اکولوژیک تأثیر می‌گذارد. به عبارتی دیگر، در بعد امنیتی، شایع‌ترین عامل تأثیرگذار انسانی در گستره سرزمینی دولت، نبود یا پراکندگی جمعیت در مناطق مختلف است؛ چراکه مناطق غیرمسکون و سکونتگاه‌های پراکنده در ارتباطات و مراودات درون‌سرزمینی، کارکردی منفی دارند.

مشخصات توپوگرافی قلمروها که بیانگر ظرفیت‌های جغرافیایی و طبیعی موجود در آن‌ها است، می‌تواند امنیت برخی از واحدهای سیاسی را تقویت و برخی دیگر را تضعیف سازد. بر این اساس، شکل هندسی سرزمین و مرزها پشتوانه‌ای محکم برای امنیت در ابعاد متنوع آن است و هرگونه ناامنی در مرز قادر است در سیستم‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظامی داخل کشور اختلال ایجاد کند. از سوی دیگر، منابع اقتصادی نظیر ذخایر انرژی و زیرزمینی نقش بسزایی در رشد و توسعه اقتصادی یک قلمرو دارند؛ از این‌رو، بازیگرانی که این منابع را در خشکی و دریا در اختیار دارند، قادر به ایجاد امنیت اقتصادی در قلمرو خود و ایستادگی در اوضاع دشوار اقتصادی (تحریم) هستند. اقلیم و محیط‌زیست نیز زمینه را برای تنوع آب‌وهوایی و ظرفیت‌های اقتصادی در اقصانقاط مختلف یک قلمرو فراهم می‌سازد و امنیت زیست‌محیطی و اقتصادی را تقویت می‌کند. سرانجام، میزان وابستگی فضایی و عرق تباری ساکنان یک قلمرو بر امنیت ملی تأثیرگذار است. هرچه سطح وفاداری و دل‌بستگی عاطفی و روانی با فضای جغرافیایی بیشتر باشد، زمینه برای تقویت امنیت از سوی واحدهای سیاسی فراهم می‌شود.

در رابطه با عنصر قدرت، تحصیل امنیت ملی مستلزم شناخت مؤلفه‌های تأثیرگذار در قدرت ملی است؛ چراکه اعمال صحیح قدرت ملی موجب تقویت امنیت ملی می‌شود. بر این اساس، مؤلفه‌های جغرافیایی نظیر وسعت قلمرو، شکل سرزمینی، مرزها، موقعیت جغرافیایی، وضعیت همسایگان، جمعیت و نیروی انسانی در شکل‌گیری عنصر قدرت تأثیرگذار هستند. این مسئله نشان می‌دهد که فضای جغرافیایی، پایدارترین عنصر قدرت ملی است که در فرایند تدوین استراتژی ملی باید به آن توجه شود؛ بنابراین، قدرت عامل پیونددهنده جغرافیا با امنیت ملی و ژئوپلیتیک نتیجه این تعامل است.

سرانجام عنصر سیاست بیانگر این است که تعاملات سیاسی واحدها در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی در چهارچوب فضای جغرافیایی صورت می‌گیرند و منجر به اثرات متقابل سیاست و فضا می‌شوند. تصمیم‌گیری انسان‌ها، جوامع انسانی و بازیگران سیاسی با توجه به ایدئولوژی مسلط آن‌ها و تأثیر آن بر فضای جغرافیایی و نیز تأثیرگذاری مقتضیات فضا بر شکل‌گیری تصمیمات و سیاست‌ها مهم‌ترین مسئله در رابطه متقابل عامل انسانی با فضای جغرافیایی است؛ از این‌رو، سیاست و فضا متأثر از کنش‌های متقابل یکدیگر هستند و فضا نمی‌تواند موضوعی جدا از ایدئولوژی و سیاست باشد؛ زیرا فضا همواره به‌صورت سیاسی و راهبردی عمل می‌کند.



نتایج تحقیق بیانگر این است که امنیت ملی جمهوری اسلامی در منطقه خزر تحت‌الشعاع بنیان‌های ژئوپلیتیک قرار می‌گیرد. این عوامل مناسبات جغرافیا، قدرت و سیاست را در حوزه خزر تحت تأثیر قرار داده است که به نظر می‌رسد می‌توانند ابعاد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را در بلندمدت با چالش مواجه سازند. اگرچه فرصت‌های ژئوپلیتیک در این منطقه مشهود است؛ اما وجود برخی چالش‌های ژئوپلیتیک نظیر رژیم حقوقی و مسائل زیست‌محیطی، ترانزیت انرژی (نفت و گاز) و رویکرد استراتژیک بازیگران (جایگاه امنیتی- نظامی)، آن را به کانون کشمکش سیاسی، اقتصادی و نظامی تبدیل کرده است. به نظر می‌رسد رژیم حقوقی مستلزم تعیین خط مبدأ و تحدید حدود بستر و زیربستر خزر باشد. از سوی دیگر، برخی از عوامل ژئوپلیتیک طبیعی و انسانی در خزر امنیت زیست‌محیطی در قلمرو ایران را تحت تأثیر قرار داده‌اند. در این زمینه شاخص‌هایی نظیر خلأ رژیم حقوقی، مشارکت نکردن کشورهای ساحلی برای انتقال دبیرخانه کنوانسیون محیط‌زیست تهران در ژنو به منطقه خزر و تعیین دبیر اجرایی برای آن، وابستگی کشورهای ساحلی به فناوری غرب، ریزگردها، تغییرات اقلیمی، رسوب‌گذاری، زلزله و نوسانات سطح آب حائز اهمیت هستند.

در رابطه با حوزه انرژی، منابع نفت و گاز نقش انکارناپذیری در تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خزر دارند و عاملی بالقوه برای رقابت و تنش میان بازیگران ساحلی هستند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که ترانزیت و مسیرهای انتقال انرژی می‌توانند به تقویت جایگاه موقعیت جغرافیایی بازیگران ساحلی منجر شوند و علاوه بر درآمد اقتصادی، قدرت ملی و منطقه‌ای آن‌ها را نیز افزایش دهند. به عبارتی، آن‌ها قادر می‌شوند با استفاده از این ظرفیت جغرافیایی به چانه‌زنی سیاسی با سایر بازیگران پردازند و امنیت ملی خود را تأمین نمایند. در رابطه با عامل نظامی به نظر می‌رسد کشورهای ساحلی و قدرت‌های فرامنطقه‌ای به دنبال کسب حداکثر منافع ژئوپلیتیک خود از این منطقه هستند. فعالیت‌های نظامی کشورهای ساحلی می‌تواند به نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خزر، عملیات روانی علیه ایران و کاهش کنشگری این کشور در معادلات سیاسی- راهبردی منطقه بینجامد. در مجموع، این نتیجه حاصل می‌شود که بنیان‌های ژئوپلیتیک مؤثر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فرصت هم‌گرایی و هم‌تکمیلی با بازیگران ساحلی خزر از یک سو و چالش متاثر شدن از عوامل جغرافیایی ثابت و متغیر از سوی دیگر را به همراه داشته است.

## منابع و مآخذ

### فارسی

- احمدی پور، زهرا و احسان لشگری، ۱۳۸۹، «چالش‌های ژئوپلیتیک ایران در بهره‌برداری از منافع خود در خزر»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، س ۳، ش ۶، صص ۱۸-۱.
- احمدی نوحدانی، سیروس و آرزو النجری چاورچی، ۱۳۹۶، «تأثیر شکل هندسی بر امنیت مرزهای غربی ایران»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، دوره ۳۲، ش ۴، صص ۲۳۶-۲۲۲.
- اعظمی، هادی و علی اکبر دبیری، ۱۳۹۰، «تحلیل نظام تقسیم سیاسی فضا در ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۷ (۲)، صص ۱۸۱-۱۴۷.
- حافظنیا، محمدرضا، ۱۳۸۷، *جغرافیای سیاسی ایران*، تهران: انتشارات سمت.
- ، ۱۳۹۰، *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد: انتشارات پاپلی.
- حافظنیا، محمدرضا و دیگران، ۱۳۸۹، «شاخص‌سازی مؤلفه‌های سیاست و فضا در جغرافیای سیاسی»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۲، ش ۷۲، صص ۱۳۴-۱۲۱.
- حسین پوریان، رضا، ۱۳۹۲، «تبیین مؤلفه‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیک روابط در مناطق ژئوپلیتیک»، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۹ (۲)، صص ۲۰۳-۱۶۱.
- حسینی، سید محمدحسین، ۱۳۹۹، «تأثیر ژئوپلیتیک منطقه خزر و ژئواستراتژی بازیگران این منطقه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، رساله دکتری، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، صص ۷۵-۴۵.
- رمضانی، کاظم و دیگران، ۱۳۹۷، «تأثیر تهدیدات زیست‌محیطی بر امنیت ملی (مطالعه موردی: کرانه‌های جنوبی دریای خزر)»، فصلنامه دانش راهبردی، س ۸، ش ۳۱، صص ۲۲۳-۲۰۱.
- زین‌العابدین، یوسف و انام کارساز، ۱۳۸۹، «جایگاه موقعیت جغرافیایی در نظریه‌های ژئوپلیتیک»، فصلنامه جغرافیای انسانی، س ۳، ش ۱، صص ۵۵-۴۵.
- شمس دولت‌آبادی، سید محمودرضا و محمدعلی زرگزاده، ۱۳۹۸، «چالش‌های دفاعی-امنیتی حوزه دریای خزر از منظر منافع امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه امنیت ملی، س ۹، ش ۳۱، صص ۱۰۶-۷۹.
- شوازی، علی‌عباس، ۱۳۸۷، «رابطه جغرافیا و امنیت با تأکید بر نقش و کارویژه نیروی انتظامی»، فصلنامه دانش انتظامی، س ۹، ش ۴، صص ۸۴-۶۱.
- صفری، مهدی، ۱۳۸۴، «همکاری‌های جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی، قفقاز و خزر، اولویت‌ها، بایدها و نبایدها»، در مجموعه مقالات دوازدهمین همایش آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- عزتی، عزت‌اله، ۱۳۹۰، *ژئوپلیتیک در قرن بیست‌ویکم*، تهران: انتشارات سمت.
- کامران، حسن و دیگران، ۱۳۸۹، «بررسی و تحلیل نقش خزر در معادلات ژئوپلیتیک منطقه‌ای»، فصلنامه انجمن جغرافیای ایران، س ۸، ش ۲۷، صص ۲۷-۷.

کامران، حسن و دیگران، ۱۳۸۹، «جغرافیا و قدرت ملی ایران»، فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، س ۱۳، ش ۱۶، صص ۲۸-۵.

کاوایی‌راد، مراد و مصطفی فتاحی، ۱۳۹۱، «تأثیر هویت مکانی بر همگرایی ملی»، فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، س ۱۶، ش ۱، صص ۴۱-۲۵.

کاوایی‌راد، مراد و حسن مالدار، ۱۳۹۶، «تأثیر موقعیت ژئوپلیتیک بر راهبرد ملی (مطالعه موردی: جنوب شرق ایران)»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، س ۴۹، ش ۴، صص ۸۵۵-۸۴۱.

ملکوتیان، مصطفی، ۱۳۸۳، «مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی و اهمیت استراتژیک ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، س ۳۳، ش ۶۳، صص ۲۲۱-۲۰۳.

مؤمن‌زاده، رضا، ۱۳۸۷، «مفاهیم اساسی در جغرافیا و امنیت ملی»، فصلنامه سپهر (سازمان جغرافیایی)، س ۱۶، ش ۶۴، صص ۲۲۲-۲۰۳.

ولی‌قلی‌زاده، علی، ۱۳۸۷، بررسی جایگاه و مزیت‌های اقتصادی ایران برای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، طرح پژوهشی: منطقه آزاد تجاری-صنعتی ارس.

هندیانی، عبدالله و محمدرضا پورغلامی، ۱۳۹۲، «بررسی نقش جغرافیا در امنیت ملی»، فصلنامه دانشکده علوم و فنون مرز، س ۴، ش ۲، صص ۹۱-۶۹.

## لاتین

- Aydin, Ulviyye, 2020, "Barriers and Solutions to Economic Integration of Caspian Sea Countries", *ADBI Working Paper Series*, Vol. 12, No 1108, pp.1-17.
- Aydin, Ulviyye & Dina Azhgaliyeva, 2019, "Assessing Energy Security in the Caspian Region: The Geopolitical Implications for European Energy Strategy", *ADBI Working Paper Series*, Vol. 2, No 10, pp.1-26.
- Azar, Edward & Chung In moon, 2019, "Third World National Security: Toward a New Conceptual Framework", *International Interactions*, Vol. 11, No.2, PP.103-135.
- Bajrektarevic, Anis & Petra Posega, 2021, "The Caspian Energy Plateau: Geoeconomic, Geopolitical and Legal essentials", *SEER Journal for Labour and Social Affairs in Eastern Europe*, Vol. 4, No.6, pp.123-142.
- Bassiri, Mohammad Ali, 2021, "Changes in the National Security Concept, Tehran", *Political Information Financial*, Vol. 4, No.2, pp.160-168.
- Bayramov, Agha, 2021, "Conflict, Cooperation or Competition in the Caspian Sea Region: A Critical Review of the New Great Game Paradigm", *Caucasus Survey*, Vol. 9, No.1, pp.1-20.
- Cohen, Saul Bernard, 2108, *Geopolitics of the World System. Tehran: The Cultural Institute of Contemporary*, Abrar International Studies.
- Gobel, Paul, 2021, "Geopolitical Competition in Caspian Region about more than Gas and Oil", *Eurasia, Daily Monitor Vol.ume*, Vol 18, No.55, pp.1-7.
- Kalyuzhnova, Yelena & Richard Pomfert, 2021, "Trade Corridors in the Caspian Region: Present and Future", *ADBI Working Paper Series*, Vol. 12, No.1266, pp.1-15.
- Kasarof, Ivan, 2021, *Climate of Caspian Sea*, Translated by: Ali Shamsi, National Center for Research and Studies of the Caspian Sea.

Norouzi, Mehrnoush, 2021, "Evaluation of Free Element Contents and Human Health Risk Assessment Via Consumption of Liza Aurata from the Southern Coasts of Caspian Sea, Iran, Caspian" *Journal of Environmental Sciences*, Vol. 19, No.3, pp.379-390.

Roshandel, Jalil, 2020, *National Security and International Order*, Samt Publications, Third Edition, Tehran.

Walker, Rob, 2019, *The Concept of Security and International Relation Theory*, University of California, Institute of Global Conflict and Cooperation.

Walt, Stephen, 2007, "The Renaissance of Security Studies", *International Studies Quarterly*, Vol. 35, No.3, pp.211-239.